
صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده و عوامل مؤثر بر آن

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۲۰

تاریخ تأیید: ۹۳/۳/۲۵

محمدحسین پناهی

استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی - mhpanahi@yahoo.com

منصوره زارعان

استادیار دانشکده زنان، دانشگاه الزهراء ع.ا.س. - man.zarean@gmail.com

چکیده

این تحقیق به منظور بررسی میزان صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن انجام گرفته است. ابتدا بر اساس مباحث نظری موجود، صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده مفهوم سازی شده و با استفاده از مؤلفه‌هایی وضعیت آن بین اعضای خانواده مورد سنجش قرار گرفته است. سپس اثر بعضی از عوامل، شامل استقلال اعضای خانواده، تأمین نیاز اعضای خانواده، انسجام خانواده، و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی در خانواده، بر آن مطالعه شده است. این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده، و جامعه آماری آن خانواده‌های تهرانی که حداقل پنج سال از زندگی مشترک آنها گذشته و حداقل دارای یک فرزند بوده‌اند. داده‌های تحقیق با استفاده از پرسشنامه از یک نمونه حدود ۴۰۰ خانواده جمع آوری شده، که به طور تصادفی از بلوک‌های مناطق ۲۲ گانه شهر تهران انتخاب شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده نشان می‌دهد قوی‌ترین رابطه صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده با تأمین نیازهای خانواده است. همچنین استقلال اعضای خانواده‌ها، انسجام خانواده و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی در خانواده از دیگر متغیرهای هستند که رابطه معنا دار و نسبتاً قوی با صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده دارد.

واژگان کلیدی

صمیمیت و همدلی خانواده، استقلال اعضای خانواده، تأمین نیاز اعضای خانواده، انسجام خانواده، حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی.

۱. بیان مسئله

در جوامع انسانی نهاد خانواده از اهمیت بالایی برخوردار است. عوامل مختلفی دست به دست هم داده تا این نهاد مهم را پویا و سرزنده نگه دارد. یکی از مهم‌ترین این عوامل «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» است که دست‌یابی به آن در هیچ نهاد دیگری امکان‌پذیر نیست. صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده به زندگی خانوادگی معنا می‌بخشد و بدون آن افراد نمی‌توانند با شادابی و نشاط در کنار هم زندگی کنند. علاوه بر این، صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بر فضای روانی حاکم بر خانواده، میزان رضایت افراد از زندگی خانوادگی و تعاملات و تجربیاتی که اعضای خانواده با همدیگر دارند اثری مثبت دارد. همچنین، بسیاری از کارکردهای اساسی خانواده در سایه صمیمیت و همدلی بین اعضا تحقق می‌یابد.

امروزه در جهان، و از جمله در ایران، شاهد آن هستیم که هر روز خانواده‌های زیادی دچار ازهم‌پاشیدگی می‌گردند؛ در بین زوجین، «طلاق» امری عادی تلقی می‌شود و «طلاق عاطفی» نیز رواج یافته است. علاوه بر این، با پدیده فرزندان فراری روبه‌رو هستیم؛ فرزندان که از خانه و کاشانه خود فرار می‌کنند و یا تعلقی به خانه نداشته و ترجیح می‌دهند که ساعات زیادی را بیرون از خانه و خانواده بگذرانند. به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین عوامل این آسیب‌ها و نابسامانی‌ها عدم وجود صمیمیت و همدلی در خانواده باشد.

صمیمیت و همدلی در خانواده به امنیت روحی و روانی اعضای خانواده کمک کرده و جو اعتماد و خوش‌بینی را بر خانواده حاکم می‌کند. بی‌اعتمادی و بدبینی در سایه صمیمیت و همدلی تا حدود زیادی رخت برمی‌بندد. اعضای خانواده با توجه به صمیمیت و همدلی حاکم در خانواده و اعتماد برآمده از آن می‌توانند مسائل پیش‌آمده را با آرامش بررسی و حل و فصل نمایند.

از این رو، صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده یکی از ارکان بسیار مهم در پویایی، شادابی و نشاط خانواده است و باعث می‌شود که خانواده قوت و قدرت لازم در مقابله با مشکلات را از دست ندهد. حل مشکلات خانواده نیازمند همراهی و همکاری همه اعضای خانواده است و این امر در صورتی میسر است که افراد از زندگی خانوادگی رضایت داشته باشند، و خود را مسئول حل آنها بدانند.

از سوی دیگر، اگر خواهان جامعه‌ای سالم هستیم باید به خانواده‌هایی سالم بیندیشیم؛

زیرا نهاد خانواده نقش بازتولید و جامعه‌پذیری اعضای جامعه را به عهده دارد. به قول «منادی»، «خانواده بدون شک مهم‌ترین سازمانی است که بسترساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی کودک و عامل رسیدن وی به تعادل (فیزیکی، روانی و اجتماعی) است» (۱۳۸۵، ۳۳-۳۴). بنابراین، سلامت جامعه در گرو خانواده سالم است و یکی از عوامل مهم در سلامت خانواده وجود صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده است. بر این اساس، در این تحقیق در صددیم که به دو سؤال اصلی پاسخ گوئیم: «میزان صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده در جامعه ما چه حد است؟» و «چه عواملی بر میزان صمیمیت و همدلی در خانواده اثر می‌گذارند؟».

۲. هدف اصلی تحقیق

این تحقیق با هدف تعیین میزان صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده و عوامل مؤثر بر آن انجام گرفته است تا با شناخت این عوامل بتوان راهکارهایی برای افزایش مؤلفه مذکور بین اعضای خانواده و تحکیم کیان خانواده یافت. همچنین، صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده یکی از عوامل مهم در ایجاد خانواده‌هایی سالم و موفق است؛ لذا شناخت عوامل آن می‌تواند کمکی در راستای سالم‌سازی و بهبود شرایط خانوادگی باشد. وانگهی، شناخت عوامل مؤثر بر صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده می‌تواند سلامت جامعه را نیز تا میزان زیادی ارتقا دهد؛ زیرا اعضای خانواده‌هایی که از میزان صمیمیت و همدلی بالایی برخوردار هستند در تعاملات و روابط اجتماعی بهتر عمل می‌کنند. بنابراین، این تحقیق در صدد آن است که با شناخت میزان صمیمیت و همدلی در بین اعضای خانواده و بعضی از عوامل اجتماعی مربوط به آن گامی در راستای بهبود و ارتقاء وضعیت خانواده در کشور بردارد.

۳. پیشینه تحقیق

بیشتر تحقیقات انجام شده در این زمینه روان‌شناختی هستند. یکی از تحقیقاتی که به طور مشخص به مسئله صمیمیت در خانواده پرداخته است، تحقیق «اعتمادی»، «نوابی نژاد» و «احمدی» (۱۳۸۵) است که با عنوان «بررسی تأثیر زوج‌درمانی به شیوه ایماگوتراپی بر افزایش صمیمیت زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر اصفهان» صورت گرفته است. این تحقیق بر این پیش‌فرض استوار است که روابط صمیمانه و ارضای نیازهای عاطفی و روانی زوجین، یک مهارت و هنر است و علاوه بر سلامت روان و تجارب سالم اولیه، نیازمند داشتن نگرش‌های منطقی و کسب مهارت‌ها و انجام وظایف خاصی است. نتایج تحقیق نشان داده که

کاربرد فنون روانی - آموزشی مبتنی بر نظریه ایماگوتراپی (تصویرسازی ارتباطی)، میزان صمیمیت زوجین را افزایش داده است. همچنین، کاربرد تکنیک‌های ایماگوتراپی باعث افزایش میزان صمیمیت عاطفی، عقلانی، جنسی و جسمانی زوجین شده است. تحقیق دیگر توسط «صفارپور» (۱۳۸۵) با عنوان «بررسی و مقایسه رابطه بلوغ عاطفی و سازگاری زناشویی مردان متأهل شاغل در شرکت خطوط لوله نفت منطقه تهران، دارای استنباطی سالم و ناسالم از خانواده اصلی خود» انجام شده است. محقق بر این باور است که ازدواج موفق بهترین پشتوانه کارکرد سالم و مطلوب خانواده است. چنین پیوند خجسته‌ای، زمینه را برای اجرای شیوه‌های مناسب فرزندپروری، بروز سازگاری و رشد بهنجار کودکان فراهم می‌سازد. پدر یا مادر از بدو تولد برای ما توضیح می‌دهند، الگو می‌سازند، قاعده وضع می‌کنند، برنامه‌ریزی می‌کنند، الگوی زن یا شوهر بودن می‌شوند و انتظارات ما را از ازدواج شکل می‌دهند.

مطالعه دیگری توسط «کلوین»^۱ با عنوان «فروپاشی خانواده در جامعه سکولار» انجام شده است که به بررسی افزایش فروپاشی بنیان خانواده در جامعه آمریکا می‌پردازد. نویسنده به تأثیر مثبت ایمان دینی و عمل به اصول اخلاقی در ایجاد صمیمیت در خانواده اشاره دارد و به نقل از «فاگان» می‌گوید: «بازآفرینی دستورالعمل‌های اجتماعی اساسی کودکان پس از ازدواج، هم برای خوشبختی و صمیمیت خانواده‌های آمریکایی در آینده و هم برای کاهش جنایات خشونت‌آمیز لازم است (کلوین ۱۳۸۹، ۲۵)»

۴. مبانی نظری

صمیمیت و همدلی یکی از ارکان خانواده است که نیاز به توصیف، تحلیل و تبیین دارد. در این قسمت، نخست به مباحث توصیفی درباره صمیمیت و همدلی می‌پردازیم و سپس، برخی از نظریاتی را که عوامل اجتماعی مؤثر بر صمیمیت و همدلی در خانواده را بررسی کرده‌اند، مرور خواهیم کرد.

صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده به معنی وجود تبادل عاطفی مثبت بین اعضای خانواده در برابر انجماد عاطفی است. به عبارت دیگر، صمیمیت معمولاً با مشی عاطفی همراه است. «تبریزی» و همکارانش «صمیمیت» را چنین تعریف می‌کنند: «تعاملاتی مربوط

1. Colvin

به خودافشایی باز و مرادوات شخصی تنگاتنگ است. این مقوله شامل مفاهیمی چون مشارکت در احساسات، امیدها، ترس‌ها و آسیب‌پذیری‌هاست» (تبریزی و همکاران ۱۳۸۵، ۲۰۵). در تعریفی دیگر از صمیمیت چنین آمده است: «صمیمیت توجه و اهمیت اعضای خانواده به احساسات یکدیگر است و عواملی چون نزدیکی عاطفی در قالب مهر، از خودگذشتگی نسبت به هم، خرسندی و رضایت از با هم بودن را شامل می‌شود» (ثنایی ۱۳۸۷، ۱۹۹).

صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده به رضایتمندی و نشاط خانوادگی می‌انجامد. به عقیده «مک گراو»^۱ خانواده‌ای موفق است که زندگی اعضای آن «سرشار از امید، شور و شوق و انرژی است. آنها در خانواده مورد محبت و احترام‌اند» (۱۳۸۸، ۵۹). «براد شاو»^۲ نیز معتقد است که زوج سالم رابطه خوب و سالم زناشویی مبتنی بر عشق بی‌قید و شرط نسبت به هم دارند که یک احساس گذرا نیست، بلکه یک تصمیم است (۱۳۸۶، ۷۶). «پارسونز»، جامعه‌شناس کارکردگرای آمریکایی، به نقش عنصر عاطفه در خانواده توجه خاص دارد و خانواده را به عنوان تنها نهاد عمده موجود در جامعه می‌داند که می‌تواند عشق و محبت و مراقبت مورد نیاز برای رشد شخصیت انسانی را در بهترین حد ارائه دهد. «کونینگ»^۳ از دیگر اندیشمندان کارکردگرا است که معتقد است که «صمیمیت» مشخصه اصلی و تفکیک‌ناپذیر خانواده است. او از خانواده به عنوان گروهی خاص نام می‌برد که اعضای آن با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط هستند. وی مهم‌ترین خصلت خانواده را «روابط رویاروی» و «صمیمیت» می‌داند (اعزازی ۱۳۸۷، ۷۲). همه دیدگاه‌های فوق بر اهمیت صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده تأکید دارند و آن را جزء لاینفک یک خانواده سالم می‌دانند. در ادامه این قسمت، به بیان نظریاتی می‌پردازیم که عوامل مؤثر بر صمیمیت و همدلی را بررسی کرده‌اند.

بر اساس نظریه «مبادله» کلیه سطوح زندگی اجتماعی به درجه‌ای از دریافت متقابل بین کنشگران نیازمند هستند. این موضوع در خانواده نیز قابل طرح است. زمانی که اعضای خانواده احساس کنند نسبتاً متعادلی از دریافت متقابل وجود دارد، این تبادل، به

1. Mc.Graw
2. Bradshaw
3. Konig

احتمال بیشتر، با رضایت همراه است و برای حفظ آن تلاش می‌کنند. در یک خانواده سالم هزینه و پاداش با توجه به حفظ صمیمیت و همدلی در خانواده معنا پیدا می‌کند؛ از این رو، رفتارهایی پاداش بیشتر می‌گیرند که به صمیمیت و همدلی بیشتر بین اعضای خانواده بینجامند. از طرف دیگر، هزینه برای افزایش صمیمیت و همدلی در خانواده سودمند و معقول تلقی می‌شود.

«شرفی» سرمایه‌گذاری انسانی یا داد و ستد عاطفی بین زوجین را از بهترین و پرشکوه‌ترین تجلیات زندگی متعادل می‌داند. او می‌گوید: «داد و ستد عاطفی در دو زمینه قابل بررسی و مطالعه است: تبادل عاطفی در ابتدای زندگی و تبادل عاطفی در ادامه زندگی» (۱۳۸۸، ۵۰-۵۱).

«ستیر»^۱ به پاداش‌هایی اشاره دارد که در نتیجه «ارتباط» پدید می‌آید. به عقیده او «اگر زن و شوهری نسبت به یکدیگر برخوردهای سترون و بی‌جان داشته باشند، سرانجام احساس خستگی و کسالت خواهند کرد. کسالت، آنان را به بی‌اعتنایی می‌کشاند که یکی از بدترین انواع احساسات انسانی و ضمناً یکی از دلایل واقعی طلاق است. از سوی دیگر، اگر ارتباط بین زن و شوهر موجب چیز تازه و جالبی باشد، آنگاه در فرد احساس زنده بودن به وجود خواهد آمد که خود باعث گسترش روابط بهتر و عمیق‌تر بین آنان می‌شود و هر فرد نسبت به خود و فرد دیگر نیز احساس بهتری پیدا خواهد کرد» (۱۳۸۸، ۷۵).

استقلال و تمایز اعضای خانواده از هم یکی از متغیرهای مهم در ایجاد روابط صمیمانه در خانواده است. سطح تمایز و استقلال نیز با صمیمیت ارتباط دارد. «اعتمادی» از «بوئن» (۱۹۸۸) نقل می‌کند که «افراد تمایل دارند همسرانی با سطح تمایز مشابه انتخاب کنند. ... زوجین با سطح تمایز پایین تحمل سطوح بالای صمیمیت را ندارند. همسران با تمایز بالا و استقلال، تحمل بیشتری برای صمیمیت دارند» (اعتمادی ۱۳۸۷، ۲۳). همچنین، «یانگ»، «لانگ» و «لارسون» معتقدند که «اختیار» («استقلال» از روابط هیجانی قوی با افراد دیگر، از جمله افراد خانواده) اصلی است که ایجاد یک فضای هیجانی برای زوجین را که برای رشد صمیمیت آنها ضروری است، ممکن می‌سازد (همان، ۲۴-۲۵). باید اضافه کرد که این استقلال فقط ناظر به رابطه بین زن و شوهر نیست، بلکه شامل رابطه والدین با نوجوانان نیز

می‌شود. بنابراین، یکی از محورهای مهم تحولی در این دوره سنی، مدیریت انعطاف‌پذیرانه جدایی، حفظ روابط و اجتناب از پیامدهای نامطلوب آن، مانند انزوا و تنهایی کامل است (واحدی، فتح‌آبادی و فتحی ۱۳۹۱، ۸۵).

«ستیر» همچنین، پیام‌رسانی و ارتباط ناکارآمد مانند پیام‌رسانی و ارتباط غیرمستقیم، مبهم، ناقص، تحریف‌شده، نامناسب و ناهمخوان را شاخص نظام خانوادگی بدکار به شمار می‌آورد و معتقد است: «در روابط زناشویی، مشکلات ارتباطی زمانی به وجود می‌آید که پیام فرستاده‌شده از سوی همسر با پیام دریافت‌شده از طرف مقابل متفاوت باشد و این تفاوت به دلیل پنهان و مبهم بودن پیام است. هر دو شکل این پیام‌ها اثر تباہ‌کننده‌ای بر صمیمیت بین زوجین دارند (نظری و دیگران ۱۳۸۸، ۱۱۳-۱۱۴). بنا بر نظریه مبادله، تعامل و ارتباط مثبت، شفاف و کارآمد بین زوجین و سرمایه‌گذاری برای چنین ارتباطاتی سبب تقویت صمیمیت و همدلی بین آنها می‌گردد؛ لذا صمیمیت و همدلی در خانواده نتیجه روابط و کنش و واکنش اعضای خانواده است که می‌تواند به طرق مختلفی ایجاد و اظهار شود؛ از جمله: صحبت با یکدیگر، گوش دادن به یکدیگر، زمانی را به همدیگر اختصاص دادن، با همدیگر صریح و صادق بودن و به یکدیگر اعتماد داشتن (استرانگ^۱ ۲۰۰۷، ۱۵۱).

«انسجام خانواده» نیز یکی از متغیرهای مهمی است که می‌تواند به صمیمیت و همدلی بیشتر در خانواده بینجامد. «انسجام ساختاری» از نظر «لاولر» وقتی ایجاد می‌شود که کنشگران وابستگی زیادی به هم داشته باشند و رابطه‌شان از توازن بالایی برخوردار باشد. این شرایط، باعث شکل‌گیری جریان درون‌زادی خواهد شد که در نهایت باعث افزایش انسجام رابطه‌ای می‌شود. انسجام رابطه‌ای باعث می‌شود که کنشگران رابطه‌شان را به عنوان یک موضوع اجتماعی مجزا و خاص، تصور نمایند (خدایی و دیگران ۱۳۸۶، ۷۹۵). در واقع، نکته کلیدی تئوری آنها در همین احساسات نهفته است؛ احساساتی که در نهایت تعهد کنشگران را در بر خواهد داشت. «انسجام رابطه‌ای» تابعی از تعداد روابط و احساسات مثبت است.

می‌توان گفت ایجاد صمیمیت و همدلی در خانواده و بین زوجین نیازمند تلاش آگاهانه افراد است و به طور انفعالی و خود به خودی به وجود نمی‌آید. همان‌طور که «فروم» درباره

1. Strong

به وجود آمدن عشق و محبت بین افراد می گوید: «عشق واقعی یک تأثیر به معنی تحت تأثیر دیگران قرار گرفتن نیست، بلکه کوشش فعال برای بسط خوشبختی معشوق است که از استعداد ما برای عشق ورزیدن سرچشمه می گیرد» (۱۳۸۷، ۷۸). به درستی می توان ادعا کرد که «ایجاد و حفظ روابط صمیمانه و ارضای نیازهای عاطفی و روانی در جریان ازدواج، یک مهارت و هنر است که علاوه بر سلامت روان و تجارب سالم اولیه، نیازمند داشتن نگرش های منطقی و کسب مهارت ها و انجام وظایف خاصی است» (اعتمادی و دیگران ۱۳۸۳، ۱۰).

یکی از متغیرهایی که احتمالاً به صمیمیت بیشتر در خانواده منجر می شود، رفع نیازهای اعضای خانواده است؛ در واقع، از کارکردهای خانواده، رفع نیاز اعضا به غذا، مسکن، حمایت و مراقبت، نیاز جنسی، نیاز به امنیت و نیاز به شکوفایی است. در یک خانواده سالم رفع همه نیازهای مادی و معنوی در نظر گرفته می شود. «اعتمادی» معتقد است که «صمیمیت یک رابطه تعاملی است و نیازمند تطابق بین قصه زندگی، اهداف، نیازها، ویژگی های شخصیتی دو انسان و ادراک برابری در رابطه می باشد (۱۳۸۷، ۳۷). ممکن است برخی از این نیازها را نهادهای دیگری غیر از خانواده بر عهده گیرند، اما رفع این نیازها در خانواده اثرات روانی مثبتی در ایجاد صمیمیت و همدلی بیشتر دارد. «احمدی» در رابطه با رفع نیازها، از جمله رفع نیاز به غذا، می گوید: «غذایی که انسان در یک رستوران می خورد، اغلب شکم او را سیر می کند؛ در حالی که غذایی که بر سر سفره یک خانواده صرف می شود، هم علاقه اجتماعی را پاسخ می گوید، هم نیاز به تحسین انسان ها را برآورده می سازد و هم عشق و علاقه انسانی را شکوفا می کند» (۱۳۸۳، ۱۰). همچنین، «بالبی» معتقد است که «دل بستگی در رابطه والد - کودک به رابطه عاشقانه در بزرگسالی انتقال می یابد» (بطلایی و همکاران ۱۳۸۹، ۴۹۶-۵۰۵). همچنین با توجه به نظریه دل بستگی در صورتی که نیاز به امنیت برآورده شود، دل بستگی بیشتری ایجاد می شود. «افرادی که احساس ایمنی می کنند به همسر خود دل بستگی روشن تر، دقیق تر و منسجم تر و پیوسته تری داشته و احساس مثبتی نسبت به خود دارند» (همان).

لذا در خانواده موفق، اعضا به دنبال سهم بیشتر برای خود نیستند، بلکه آنچه برای آنها اولویت دارد انس و الفت بین اعضای خانواده است. طبیعی است که اگر ساختار کلی نظام خانواده بر اساس یگانگی و یک رنگی باشد، و اگر روابط بین اعضای آن، صمیمانه و

سرشار از مهر و محبت شکل بگیرد، تک تک اعضا به نوبه خود از آن سود خواهند برد. مفهوم عشق نیز معمولاً با محبت و صمیمیت همراه است. «استرنبرگ» نظریه «مثلث عشق» را مطرح می کند. بر اساس این نظریه، عشق از سه بُعد تشکیل می شود: صمیمیت، شهوت و تعهد. «صمیمیت»، جزء هیجانی و عاطفی عشق؛ «شهوت» یا «هوس» جزء انگیزشی آن و «تعهد» جزء شناختی عشق است (حسن زاده ۱۳۸۵، ۱۷۵).

با توجه به این که استحکام و تعادل خانواده بر اساس صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده ممکن است، لذا صمیمیت و همدلی در یک خانواده نیاز به سرمایه گذاری و صرف هزینه دارد. رفتارهای دوستانه و مهربانانه، و روابط و پیوندهای عاطفی از کنش هایی هستند که صمیمیت و همدلی را در خانواده افزایش می دهند. در بسیاری از مواقع، اعضای خانواده به خاطر خانواده از نیازها، آزادی و لذات شخصی خویش می گذرند تا به صمیمیت و همدلی بیشتری دست یابند. همچنین، ارزش های اخلاقی و اسلامی تأکید زیادی بر مهر و محبت، نشاط و دلگرمی، گذشت و بردباری، احترام متقابل، و تعهد و مسئولیت در خانواده دارد. همه اینها در صمیمیت و همدلی خانواده مؤثر هستند. البته پیاده کردن این ارزش ها نیاز به سرمایه گذاری و صرف هزینه های معنوی دارد.

ارتباطات خویشاوندی نزدیک و سالم نیز می تواند بر صمیمیت و همدلی در خانواده و استحکام آن مؤثر باشد، چیزی که جامعه صنعتی آن را تضعیف کرده است. به نظر پارسونز «فرآیند توسعه صنعتی به بروز انشقاق در خانواده منجر شده است و علت این تحول، نخست جدا ساختن خانواده از شبکه خویشاوندی و سپس، تقلیل گروه خانگی به خانواده تک هسته ای کوچک بوده است» (سگالن ۱۳۷۵، ۸۸).

برقراری روابط صمیمانه نیازمند روح و روان سالم نیز هست. برخی از روان شناسان معتقدند که شخصیت «اسکیزوتایپی» ظرفیت اندکی برای برقراری روابط نزدیک و صمیمانه دارد. آنان برخی از متغیرهای جمعیت شناختی را نیز در ظرفیت اندک برای برقراری رابطه صمیمانه مؤثر می دانند. «لوین» و «کادل» معتقدند که «تحصیلات والدین (به عنوان یکی از مؤلفه های اصلی طبقه اجتماعی - اقتصادی) آنچه که به عنوان تفاوت های نژادی در عملکرد عصب - روان شناختی در بین بیماران نامیده می شود را تبیین می کند (محمدزاده ۱۳۸۷، ۷۰).

به نظر می رسد سطح تحصیلات نیز بر مهارت افراد در ایجاد صمیمیت و همدلی در خانواده اثر می گذارد؛ بنابراین ساختار خانواده و تحصیلات والدین، بر شیوه تربیتی والدین

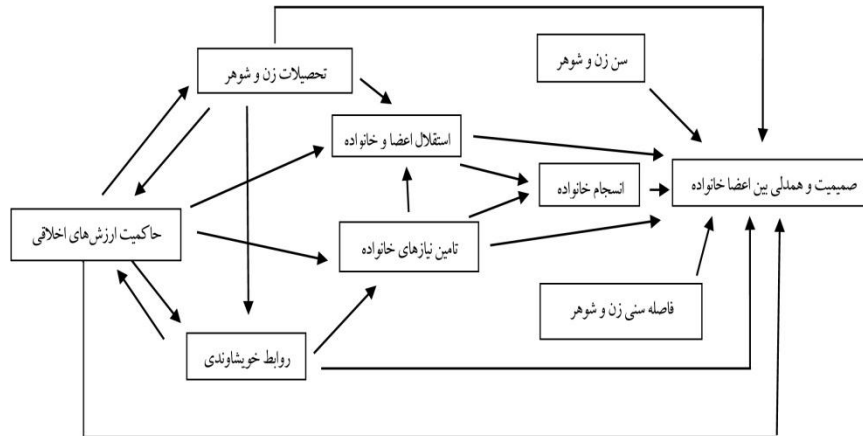
و رفتار نوجوانان تأثیر گذار است. آنها به علاوه به مدل استرس خانواده کونگر و الدر (۱۹۹۴) اشاره می کنند که شرایط جمعیتی یا فشار اقتصادی، مثلاً تک والدینی، تحصیلات کم والدین و درآمد پایین خانواده، نقش حمایتی والدین را با مشکل مواجه می کند و پدر و مادر نمی توانند به وظایف والدینی خود عمل کنند (خدایی و دیگران ۱۳۸۶، ۷۹۴).

۵. چارچوب نظری تحقیق

در این مقاله با استفاده از نظریات فوق چارچوب نظری تحقیق تدوین شده است. در قسمت قبل توضیح داده شد که خانواده به دلایل مختلف، محیطی است که باید صمیمیت بر آن حاکم باشد و روابطی سرشار از عشق و علاقه بین همسران و بین والدین و فرزندان وجود داشته باشد. صمیمیت و همدلی، علاوه بر ایجاد فضای شاد در زندگی زناشویی، شرط لازم برای اجتماعی کردن صحیح و مناسب کودکان نیز می باشد و به رشد و ترقی اعضای خانواده کمک می کند.

عوامل مختلفی به طور مستقیم و غیر مستقیم بر صمیمیت و همدلی اعضای خانواده مؤثرند که یکی از آنها میزان استقلال است. زوجین می توانند در عین داشتن عشق و علاقه به یکدیگر، افرادی مستقل بوده و بر حسب سن فرزندان، استقلال لازم را برای آنها نیز قائل شوند. همچنین، تلاش در جهت حفظ انسجام خانواده و صرف هزینه های معنوی در این راستا، صمیمیت و همدلی در خانواده را افزایش می دهد. توجه به نیازهای مختلف خانواده و برآورده کردن آن نیز به صمیمیت و همدلی بیشتر اعضا منجر می شود. همچنین، حاکمیت ارزش های اخلاقی و اسلامی در خانواده نیز زمینه مهر و محبت و همدلی را در خانواده مهیا می کند. نوع روابط خویشاوندی بیشتر با بستگان زن و شوهر هم از عواملی است که می تواند دل های زوجین را به هم نزدیک تر کرده و جوی از صفا و شادابی و صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده ایجاد کند. «پارسونز» انشقاق در خانواده را ناشی از ارتباطات خویشاوندی ضعیف می داند. علاوه بر این، برخی از محققان «تحصیلات پدر و مادر» و «تعداد اعضای خانواده» را در روابط صمیمانه اعضای خانواده مؤثر می دانند. به نظر می رسد سن زن و شوهر و فاصله سنی ایشان نیز بر میزان صمیمیت آنها اثر بگذارد. معمولاً با افزایش سن، میزان صمیمیت بین زن و شوهر نیز افزایش می یابد، و فاصله سنی کمتر به فهم و درک بهتر و رابطه صمیمی تر بین زوجین منجر می شود. علاوه بر رابطه مستقیم، بین عوامل فوق روابط غیر مستقیم نیز وجود دارد که در مدل تحلیلی زیر دیده می شود و همگی بر صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده اثر گذارند:

۵-۱. مدل تحلیلی تحقیق



۵-۲. فرضیه‌های اصلی تحقیق

۱. هر چه حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی در خانواده بیشتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است؛
۲. هر چه تحصیلات زن و شوهر بیشتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است؛
۳. هر چه ارتباط خانواده با خویشاوندان بیشتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است؛
۴. هر چه استقلال اعضای خانواده بیشتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است؛
۵. هر چه نیازهای خانواده بیشتر تأمین شود، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است؛
۶. هر چه انسجام خانواده بیشتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است؛
۷. هر چه سن زن و شوهر بیشتر شود، صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر می‌شود؛
۸. هر چه فاصله سنی زن و شوهر کمتر باشد، صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر می‌شود.

۶. روش پژوهش

در این تحقیق از روش پیمایش برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. واحد تحلیل، خانواده، و جامعه آماری تحقیق خانواده‌های تهرانی بودند که دست کم یک فرزند داشتند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۷ خانواده برآورد شده است (سرایی ۱۳۸۲، ۱۳۳). بنا بر سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، تعداد خانوارهای شهر تهران ۲۰۲۷۰۸۹۲ خانوار بوده است که از این تعداد ۱۰۶۵۰۰۰۰ خانوار سه تا ده نفره بوده‌اند که جامعه آماری این تحقیق می‌باشند (مرکز آمار ایران، دفتر ریاست امور بین‌الملل و روابط خارجی ۱۳۸۸، ۸۹).

روش نمونه‌گیری، تصادفی و سیستماتیک بوده است و پرسش‌نامه ساخته شده توسط محققان، حاوی ۹۰ سؤال بود که پس از پیش‌آزمون و اطمینان از پایایی و روایی آن استفاده شده است. روایی محتوایی پرسش‌نامه بر اساس نظر پنج نفر از اساتید احراز شد و در روایی آن از روش آلفای کرونباخ (۰/۹۳) استفاده گردید. قابل ذکر است که پاسخگویان یا واحد مشاهده تحقیق، زنان بوده‌اند که اطلاعات مربوط به خانواده از آنان پرسیده شده است.

۷. تعریف مفاهیم

۷-۱. تعریف نظری و عملیاتی «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» (متغیر وابسته)

در قسمت مبانی نظری، تعاریف مختلفی از صمیمیت و همدلی در خانواده آورده شد. با توجه به تعاریف متعدد از این مفهوم، در این تحقیق از این تعریف استفاده شده است: «صمیمیت و همدلی عبارت است از وجود مهر و محبت بین اعضای خانواده و ابراز آن نسبت به همدیگر، توجه عمیق آنان به افکار و احساسات یکدیگر، و درک و پذیرش آنها». لذا این سازه را می‌توان در دو بُعد «ارتباط عاطفی در قالب مهر»، و «توجه به افکار و احساسات یکدیگر و پذیرش آنها» بررسی کرد. بُعد اول این سازه با ده گویه و بُعد دوم آن با چهار گویه به وسیله طیف لیکرت پنج‌حالتی سنجش شده است. دامنه تغییرات شاخص حاصل بین ۱۴ تا ۷۰ بوده که به سه سطح «ضعیف»، «متوسط» و «زیاد» تقسیم شده است. متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: «حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی در خانواده»، «ارتباط با خویشاوندان»، «تحصیلات زن و شوهر»، «استقلال اعضای خانواده»، «تأمین

نیازهای اعضای خانواده»، «انسجام خانواده»، «سن زن و شوهر» و «تفاوت سنی زن و شوهر». هر یک از متغیرهای مستقل به شرح زیر سنجیده شده‌اند:

۱. حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی در خانواده: حاکمیت این ارزش‌ها به معنی رعایت عملی و پای‌بندی به هنجارهای اسلامی و پیامدهای اخلاقی مربوط است. این متغیر با دو مؤلفه «حاکمیت نگرش توحیدی در خانواده» و «پای‌بندی به اخلاق اسلامی در روابط خانوادگی» به کمک طیف لیکرت پنج‌حالتی و با ده گویه سنجیده شده است. تغییرات شاخص حاکمیت ارزش‌ها ۱۰ تا ۵۰ بوده است که به سه سطح «پایین»، «متوسط» و «بالا» تقسیم شده است.

۲. روابط خویشاوندی: این متغیر بر اساس سطح روابط متقابل با خویشاوندان درجه اول و دوم زن و شوهر و گرایش به آن تعریف شده است. متغیر مذکور با چهار گویه سنجیده شده و دامنه تغییرات آن بین ۴ تا ۲۰ بوده است که به سه سطح «پایین»، «متوسط» و «بالا» تقسیم گردیده است.

۳. استقلال: «استقلال» به معنای آن است که فرد احساس کند قادر است به تنهایی به زندگی خود ادامه داده و نیازهای خود را تأمین کند. در فرزندان، استقلال مرحله‌ای پس از وابستگی کودک است و نشانه آغاز خودمختاری و عدم وابستگی به بزرگ‌سالان در تصمیم‌گیری است. استقلال اعضای خانواده با چهار مؤلفه فرعی «اعتماد به نفس»، «احساس مسئولیت و توانایی اعضا بر تصمیم‌گیری»، «تعادل میان استقلال و وابستگی» و «میزان آزادی اعضای خانواده» و با یازده گویه در طیف لیکرت سنجیده شده است. در نتیجه، دامنه تغییر شاخص مربوط بین ۱۱ تا ۵۵ بوده است که به سه سطح «پایین»، «متوسط» و «بالا» تقسیم شده است.

۴. تأمین نیاز اعضای خانواده: منظور از تأمین نیازهای اعضای خانواده، بر مبنای سلسله مراتب نیازهای «مازلو»، پنج دسته از نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به امنیت، نیاز به عشق و تعلق، نیاز به عزت نفس و نیاز به خودشکوفایی است که پنج مؤلفه این سازه را می‌سازند. این مؤلفه‌ها مجموعاً با پانزده گویه در طیف لیکرت سنجیده شده است. دامنه تغییرات شاخص مربوط، بین ۱۵ تا ۷۵ بوده است که به سه سطح «پایین»، «متوسط» و «بالا» تقسیم گردیده است.

۵. انسجام خانواده: «انسجام خانواده» به معنای وجود احساس وحدت و همبستگی، روابط متقابل تعریف‌شده، نقش‌های خانوادگی تفکیک‌شده و استفاده از مذاکره برای حل

مشکلات مربوط به خانواده است که سبب احساس امنیت و آرامش در خانواده شده و صمیمیت بین اعضای آن را افزایش می‌دهد. در واقع، خانواده منسجم، محلی امن و پایگاهی مستحکم برای اعضای خود است. این متغیر با دوازده گویه سنجیده شده است که دامنه تغییرات شاخص مربوط، بین ۱۲ تا ۶۰ می‌باشد و به سه سطح «پایین»، «متوسط» و «بالا» تقسیم شده است.

۶. سن زن و شوهر: سن زن و شوهر از متغیرهای مستقل است که به طور مستقیم از پاسخگویان پرسیده شد. فاصله سنی زن و شوهر نیز از متغیرهای مستقل است که از اختلاف سنی آنها محاسبه شده است.

۲-۷. پایایی و اعتبار پرسش‌نامه تحقیق

مراد از «پایایی» آن است که وسیله اندازه‌گیری تا چه حد از اشتباهات منظم و تصادفی مبرا است. برای آزمون پایایی از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. در این تحقیق برای سنجش پایایی داده‌ها از روش «توافق داخلی»، و مهم‌ترین شاخص آن «آزمون آلفای کرونباخ»، استفاده شده است. در این تحقیق میزان آلفای کرونباخ بیش از ۹۰ درصد بود. همچنین، «اعتبار» به مطابقت داده‌های جمع‌آوری شده پژوهشگر با دنیای واقعی اشاره دارد. در این تحقیق، به اعتبار بیرونی و اعتبار درونی تحقیق توجه شده است. جهت اعتبار بیرونی از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است و می‌توان گفت که نتایج نمونه مورد بررسی در این پژوهش قابل تعمیم به کل خانواده‌های تهرانی می‌باشد. همچنین، برای افزایش اعتبار درونی یا اعتبار محتوا، در تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم، دقت زیادی به کار رفته است و سعی شده است که ابعاد مختلف موضوع مورد دقت و بررسی قرار گیرد. جهت حصول اطمینان از اعتبار وسیله اندازه‌گیری مسیر زیر پیموده شده است: (۱) بعضی از پرسش‌ها از پرسش‌های آزمون شده در پژوهش‌های مشابه استفاده شده است؛ (۲) از استاد راهنما و سایر استادان متخصص جهت تأمین اعتبار صوری نظرخواهی شده است؛ (۳) طی آزمون مقدماتی، اعتبار پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفته است و با انجام ۶۰ پرسش‌نامه به صورت «پری تست» سؤالات مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته است.

۸. یافته‌های تحقیق

۸-۱. یافته‌های توصیفی

۸-۱-۱. سن پاسخگویان:

از آنجا که سن یکی از متغیرهای مهم زمینه‌ای است، ابتدا به توزیع سنی افراد نمونه می‌پردازیم.

جدول ۱: توزیع فراوانی سن پاسخگویان

سن	فراوانی	درصد
۲۰-۲۹	۳۶	۹/۸
۳۰-۳۹	۱۰۸	۲۹/۴
۴۰-۴۹	۱۰۹	۲۹/۷
۵۰-۵۹	۷۰	۱۹/۱
۶۰ و بیشتر	۴۲	۱۱/۴
جمع	۳۶۵	۹۹/۵

جدول فوق نشان می‌دهد که ۱۰۹ نفر، یا حدود ۳۰ درصد، از پاسخگویان متعلق به گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ ساله می‌باشند که نمای این توزیع را می‌سازند. ۱۰۸ نفر، یا حدود ۲۹ درصد، به گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال تعلق دارند. در مجموع، حدود ۵۹ درصد از پاسخگویان متعلق به گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ سال هستند. با توجه به جامعه آماری، همان‌طور که انتظار می‌رود کمترین تعداد به گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال تعلق دارد که ۹/۸ درصد است.

۸-۲. اختلاف سنی بین پاسخگویان و همسران‌شان

اختلاف سن یکی از متغیرهای مهم در بحث خانواده است. در جدول ذیل این موضوع مطرح می‌شود:

جدول ۲: توزیع فراوانی اختلاف سنی بین پاسخگویان و همسران‌شان

اختلاف سنی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
۱-۵	۱۸۳	۴۹/۹	۵۱/۴
۶-۱۰	۱۲۶	۳۴/۳	۳۵/۴
۱۱-۱۵	۴۰	۱۰/۹	۱۱/۲
۱۶-۲۰	۷	۱/۹	۲/۰
جمع	۳۵۶	۹۷	۱۰۰

با توجه به جدول فوق اختلاف سنی بین ۱ تا ۵ سال بیشترین فراوانی را دارد و هر چه به طرف اختلاف سنی بیشتر می‌رویم، فراوانی آن کاهش می‌یابد. این ارقام کاملاً با آمار موجود همخوانی دارد، به طوری که آمار و ارقام در زمینه سن خانم‌ها و آقایانی که در پنج سال گذشته با هم ازدواج کرده‌اند، نشان می‌دهد که موضوع بالا بودن سن آقایان و تفاوت سنی در حد چند سال، اهمیت گذشته خود را از دست داده و فراوانی هم‌سنی افزایش یافته

است؛ به گونه‌ای که تقریباً در ۱۵ درصد از ازدواج‌های ثبت شده در پنج سال گذشته، خانم‌ها و آقایان هم سن و یا آقایان حداقل یک سال کوچک‌تر از خانم‌ها بوده‌اند.

۸-۱-۳. تحصیلات پاسخگویان

سطح تحصیلات در اکثر تحقیقات اجتماعی و از جمله در این تحقیق از متغیرهای مهم و تأثیرگذار است. در ذیل به بررسی توزیع فراوانی تحصیلات پاسخگویان می‌پردازیم:

جدول ۳: توزیع فراوانی تحصیلات پاسخگویان

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد
بی سواد	۵	۱/۴
زیر دیپلم	۱۲۳	۳۳/۵
دیپلم	۱۵۱	۴۱/۱
فوق دیپلم	۲۴	۶/۵
لیسانس	۵۲	۱۴/۲
فوق لیسانس	۵	۱/۴
دکتری	۳	۰/۸
حوزوی	۱	۰/۳
جمع	۳۶۴	۹۹/۲

جدول فوق نشان می‌دهد که بالاترین درصد سطح تحصیلات در نمونه مورد مطالعه دیپلم است. ۱۵۱ نفر، یا حدود ۴۱ درصد، از پاسخگویان در سطح دیپلم قرار دارند که نمای توزیع و بیشترین تعداد پاسخگویان را شامل می‌شود. تعداد قابل ملاحظه‌ای از پاسخگویان نیز که ۱۲۳ نفر یا ۳۳/۵ درصد می‌باشند، در سطح سواد زیر دیپلم قرار دارند. تعداد ۵۲ نفر، یا ۱۴/۲ درصد، در سطح لیسانس و تنها ۹ نفر، یا ۲/۵ درصد، در سطح فوق لیسانس، دکتری و علوم حوزوی قرار دارند.

لازم به ذکر است که سطح سواد زنان در کشور در سال ۱۳۸۵، در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال ۷۸/۹۸ درصد بوده است که با افزایش سن، کمتر و با کاهش سن، ۶ تا ۹ سال افزایش یافته است؛ به طوری که سطح سواد در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر، ۷۵/۴۶ درصد می‌باشد. به نظر می‌رسد که میانگین سطح سواد پاسخگویان این تحقیق قدری پایین‌تر از میانگین سطح سواد جامعه آماری است که این امر با توجه به جمعیت نمونه طبیعی به نظر می‌رسد.

۸-۱-۴. تحصیلات همسر پاسخگویان

یکی دیگر از متغیرهای زمینه‌ای که نمایی از جمعیت آماری را برای ما روشن می‌سازد، «تحصیلات همسر» است. در جدول زیر به بررسی سطح تحصیلات همسران پاسخگویان پرداخته‌ایم.

جدول ۴: توزیع فراوانی تحصیلات همسر پاسخگویان

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۸	۲/۲
زیر دیپلم	۱۲۸	۳۴/۹
دیپلم	۱۱۶	۳۱/۶
فوق دیپلم	۳۱	۸/۴
لیسانس	۶۰	۱۶/۳
فوق لیسانس	۱۴	۳/۸
دکتری	۶	۱/۶
جمع	۳۶۳	۹۸/۹

با توجه به جدول فوق، سطح سواد ۱۲۸ نفر، یا حدود ۳۵ درصد، از همسران پاسخگویان زیر دیپلم است که نمای توزیع بوده و بیشترین تعداد و درصد پاسخگویان را شامل می‌شود. سپس، بیشترین تعداد به سطح سواد در حد دیپلم تعلق دارد که ۱۱۶ نفر، یا ۳۱/۶ درصد، از پاسخگویان را در برمی‌گیرد. به نظر می‌رسد که با توجه به جدول قبل و گروه سنی پاسخگویان، سطح سواد در بین همسران پاسخگویان طبیعی باشد. لازم به ذکر است که بر اساس آمار سطوح تحصیلات سال ۱۳۸۵ در شهر تهران، بالاترین فراوانی، یعنی ۲۰۲۴۸ نفر، متعلق به سطح تحصیلات متوسطه است. فراوانی تحصیلات در سطوح عالی نیز ۱۰۵۵۶۰۹۵ نفر است. به نظر می‌رسد که با رشد میزان تحصیلات در سال‌های اخیر، بیشترین آمار تحصیلات در سطوح عالی متعلق به گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال باشد.

۸-۱-۵. صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده (متغیر وابسته)

یکی از ابعاد مهم در سلامت خانواده صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده است. مؤلفه‌های صمیمیت و همدلی در این پژوهش عبارت‌اند از: «ارتباط عاطفی در قالب مهر» و «توجه عمیق اعضای خانواده به افکار و احساسات یکدیگر و پذیرش آنها». جدول زیر توزیع این مؤلفه‌ها را در سه سطح نشان می‌دهد:

جدول ۵: توزیع فراوانی صمیمیت و همدلی پاسخگویان

صمیمیت و همدلی	فراوانی	درصد
ضعیف	۱۷	۴/۶
متوسط	۲۱۸	۵۹/۴
زیاد	۱۳۲	۳۶
جمع	۳۶۷	۱۰۰

جدول فوق حاکی از آن است که ۲۱۸ نفر، یعنی نزدیک به ۶۰ درصد، از پاسخگویان از صمیمیت و همدلی در خانواده در حد متوسطی برخوردارند. ۱۳۲ نفر، یا ۳۶ درصد، از حد زیادی از صمیمیت و همدلی در خانواده برخوردارند و تنها حدود ۵ درصد، یا ۱۷ نفر، صمیمیت و همدلی ضعیفی در بین اعضای خانواده دارند.

احساس صمیمیت و همدلی خود از دو مقیاس «ارتباط عاطفی در قالب مهر» با ده گویه، و «توجه به افکار و احساسات یکدیگر و پذیرش آن» با چهار گویه تشکیل شده است. توزیع این متغیرها در جدول زیر آمده است.

جدول ۶: توزیع فراوانی مؤلفه‌های صمیمیت و همدلی

مؤلفه‌ها		ارتباط عاطفی در قلب مهر		توجه به افکار و احساسات یکدیگر	
صمیمیت و همدلی	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
ضعیف	۱۶	۴/۴	۱۷	۴/۶	۱۷
متوسط	۲۰۸	۵۶/۷	۱۸۱	۴۹/۳	۱۸۱
زیاد	۱۴۳	۳۹	۱۶۹	۴۶	۱۶۹
جمع	۳۶۷	۱۰۰	۳۶۷	۱۰۰	۳۶۷

با نگاهی به ارقام جدول فوق به نکات قابل توجهی می‌رسیم. در مؤلفه‌های صمیمیت، ۴۶ درصد، یعنی ۱۶۹ نفر، «توجه به افکار و احساسات» را در حد زیاد دانسته‌اند؛ یعنی ۴۶ درصد از پاسخگویان ما معتقدند که در خانواده آنها توجه به افکار و احساسات یکدیگر در حد زیادی وجود دارد. این در حالی است که مؤلفه دیگر صمیمیت و همدلی، یعنی «ارتباط عاطفی در قالب مهر»، بیشترین تعداد را در حد متوسط دارد؛ یعنی ۲۰۸ نفر و یا ۵۶/۷ درصد، ارتباط عاطفی در قالب مهر را در خانواده خود متوسط ارزیابی کرده‌اند.

۸-۲. یافته‌های علی (آزمون فرضیه‌ها)

در این قسمت به بررسی عوامل مؤثر و نحوه اثرگذاری متغیرهای مستقل مطرح شده بر صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده می‌پردازیم.

۸-۲-۱. رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی»

اولین فرضیه، بررسی رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی» است. بر اساس مباحث نظری، انتظار داشتیم که هر چه حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی در خانواده بیشتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر باشد. جدول زیر این رابطه را نشان می‌دهد.

جدول ۷: رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «حاکمیت ارزش‌های اخلاقی اسلامی»

جمع	بالا	متوسط	پایین	حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی
				صمیمیت و همدلی
۴/۶	۲/۳	۳/۶	۳۳/۳	ضعیف
۵۹/۴	۳۴/۹	۷۳/۶	۶۱/۱	متوسط
۳۶	۶۲/۸	۲۲/۷	۵/۶	زیاد
(۳۶۷)	(۱۲۹)	(۲۲۰)	(۱۸)	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

کندال تاو $c = ۰/۳۲۰$ ، سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$ ؛

کا اسکویر $= ۹۵/۶۸$ ، سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$ و گاما $= ۰/۶۹$

نگاهی به ارقام سطر اول جدول فوق نشان می‌دهد که هر چقدر از حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی ضعیف به طرف حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی زیاد حرکت می‌کنیم، درصد کسانی که صمیمیت و همدلی ضعیف داشته‌اند، کاسته می‌شود؛ مثلاً ۳۳/۳ درصد از کسانی که صمیمیت و همدلی آنها ضعیف است، دارای حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی ضعیف نیز می‌باشند؛ در عین حال، ۲/۳ درصد از خانواده‌هایی که دارای حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و اسلامی بالا می‌باشند از صمیمیت و همدلی ضعیف برخوردارند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که با بالا رفتن سطح حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی در خانواده، صمیمیت و همدلی در خانواده افزایش می‌یابد.

مقدار ضرایب کندال و گاما و کا اسکویر مشاهده شده نیز نشان می‌دهد که اختلافات

دیده شده بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی‌تواند تصادفی باشد؛ چرا که چنین احتمالی کمتر از ۱ در ۱۰.۰۰۰ است. بنابراین، باید به وجود ارتباط معنادار بین دو متغیر حکم کرد. از این رو، می‌توان این فرضیه را که «حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی بر میزان صمیمیت و همدلی در خانواده اثر قابل توجه مستقیمی دارد»، تأیید کرد.

۲-۲-۸. رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «تحصیلات زن و شوهر» فرضیه دوم این تحقیق، بررسی رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «تحصیلات زن و شوهر» است؛ بدین معنا که هر چه میزان تحصیلات زن و شوهر بیشتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است. در جدول زیر رابطه این دو متغیر نشان داده شده است:

جدول ۸: رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «تحصیلات زن و شوهر» (به درصد)

جمع	دکتری	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	زیر دیپلم	بی سواد	تحصیلات زن و شوهر
								صمیمیت و همدلی
۴/۵	۰	۷/۷	۰	۵/۵	۴/۴	۵/۵	۰	ضعیف
۵۹/۴	۱۰۰	۵۳/۸	۶۸/۳	۵۶/۲	۵۴	۶۵/۹	۵۰	متوسط
۳۶/۱	۰	۳۸/۵	۳۱/۷	۳۸/۴	۴۱/۶	۲۸/۶	۵۰	زیاد
(۳۶۰)	(۳)	(۱۳)	(۴۱)	(۷۳)	(۱۳۷)	(۹۱)	(۲)	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

کنندال تاو $c = ۰/۰۲۸$ ، سطح معناداری $= ۰/۵۰$ ؛

کا اسکویر $= ۹/۷۹$ ، سطح معناداری $= ۰/۶۳$ و گاما $= ۰/۰۴۹$

با توجه به معنادار نشدن مقدار کندال و کا اسکویر می‌توان گفت که بین «تحصیلات زن و شوهر» و «صمیمیت و همدلی در خانواده» رابطه معناداری مشاهده نشد؛ لذا این یافته‌ها نشان می‌دهند که تحصیلات رایج تأثیری بر صمیمیت و همدلی در بین اعضای خانواده ندارد. شاید تجدید نظر در برخی عناوین درسی و یا گنجاندن مهارت‌های زندگی در بعضی از دروس راه‌گشای این مسئله باشد.

۲-۲-۸.۳. رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «ارتباط خویشاوندی» فرضیه سوم این تحقیق، بررسی «ارتباط خویشاوندی» با «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» است؛ بدین معنا که هر چه «ارتباط خویشاوندی» بیشتر باشد، احتمال «صمیمیت و

همدلی بین اعضای خانواده» بیشتر است. این رابطه در جدول زیر نشان داده شده است:
 جدول ۹: رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «ارتباط خویشاوندی»

جمع	بالا	متوسط	پایین	ارتباط خویشاوندی
				صمیمیت و همدلی
۴/۶	۰	۸/۵	۴۵/۵	ضعیف
۵۹/۴	۴۳/۹	۷۰/۷	۵۴/۵	متوسط
۳۶	۵۶/۱	۲۳/۶	۰	زیاد
(۳۶۷)	(۲۱)	(۲۵۰)	(۹۶)	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

کندال تاو $c = ۰/۲۹۵$ ، سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$

کا اسکویر $= ۸۶/۹۸۴$ ، سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$ و گاما $= ۰/۶۷۰$

نگاهی به ارقام جدول فوق نشان می‌دهد که با بالا رفتن ارتباط خویشاوندی، صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده افزایش می‌یابد؛ مثلاً ۴۵/۵ درصد از کسانی که ارتباط خویشاوندی ضعیف داشتند، از صمیمیت و همدلی ضعیفی نیز در بین اعضای خانواده برخوردار بودند؛ در حالی که هیچ‌یک از خانواده‌هایی که دارای روابط خویشاوندی در سطح بالا بودند از صمیمیت و همدلی ضعیف برخوردار نبودند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که با بالا رفتن سطح روابط خویشاوندی، صمیمیت و همدلی در خانواده افزایش می‌یابد.

مقدار ضرایب کندال و گاما و کا اسکویر مشاهده شده نیز نشان می‌دهد که اختلافات دیده شده بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی‌تواند تصادفی باشد، چرا که چنین احتمالی کمتر از ۱ در ۱۰۰۰۰ است. بنابراین، قاعدتاً باید به وجود ارتباط معنادار بین دو متغیر حکم کرد. پس می‌توان این فرضیه را که «روابط خویشاوندی بر میزان «صمیمیت و همدلی در خانواده اثر قابل توجه مستقیمی دارد»، تأیید کرد.

۲-۴. رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «استقلال اعضای خانواده»

فرضیه چهارم تحقیق، بررسی رابطه «استقلال اعضای خانواده» و «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» را مورد نظر دارد؛ بدین معنا که هر چه استقلال اعضای خانواده بیشتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است. در جدول زیر این رابطه نشان داده شده است.

جدول ۱۰: رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «استقلال اعضای خانواده»

جمع	بالا	متوسط	پایین	استقلال
				صمیمیت و همدلی
۴/۶	۳/۷	۲/۲	۲۴/۳	ضعیف
۵۹/۴	۱۳	۶۷	۷۰/۳	متوسط
۳۶	۸۳/۳	۳۰/۸	۵/۴	زیاد
(۳۶۷)	(۵۴)	(۲۷۶)	(۳۷)	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

کندال تاو $c = ۰/۲۹$ ، سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$ ؛

کا اسکویر $= ۱۰۳/۰۶$ ، سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$ و گاما $= ۰/۷۹۰$

نگاهی به ارقام سطر اول جدول فوق نشان می‌دهد که هر چقدر از «استقلال پایین» به طرف «استقلال بالا» حرکت می‌کنیم، درصد کسانی که صمیمیت و همدلی ضعیف دارند، کاسته می‌شود؛ مثلاً $۲۴/۳$ درصد از کسانی که صمیمیت و همدلی آنها ضعیف است، دارای استقلال پایین نیز می‌باشند؛ در عین حال، $۳/۷$ درصد خانواده‌هایی که از صمیمیت و همدلی ضعیف برخوردارند، دارای استقلال در سطح بالا می‌باشند. بنابراین، می‌توان گفت که با بالا رفتن سطح استقلال در خانواده صمیمیت و همدلی نیز افزایش می‌یابد. مقدار ضرایب کندال و گاما و کا اسکویر مشاهده شده نیز نشان می‌دهد که اختلافات دیده شده بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی‌تواند تصادفی باشد؛ چرا که چنین احتمالی کمتر از ۱ در ۱۰۰۰۰ است. بنابراین، قاعدتاً باید به وجود ارتباط معنادار بین دو متغیر حکم کرد. پس می‌توان این فرضیه را که «استقلال اعضای خانواده بر میزان صمیمیت و همدلی در خانواده اثر قابل توجه مستقیمی دارد»، تأیید کرد.

۵-۲-۸. رابطه «تأمین نیاز اعضای خانواده» و «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده»
فرضیه پنجم تحقیق، بررسی رابطه «تأمین نیاز اعضای خانواده» و «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» را مد نظر دارد؛ بدین معنا که هر چه تأمین نیاز اعضای خانواده بیشتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است. در جدول زیر این رابطه نشان داده شده است.

جدول ۱۱: رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «تأمین نیازها»

جمع	بالا	متوسط	پایین	تأمین نیازها
				صمیمیت و همدلی
۴/۶	۰	۲/۴	۶۳/۲	ضعیف
۵۹/۴	۲۸/۶	۸۲/۲	۳۶/۸	متوسط
۳۶	۷۱/۴	۱۵/۴	۰	زیاد
(۳۶۷)	(۱۴۰)	(۲۰۸)	(۱۹)	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

کندال تاو c = ۰/۴۷۹، سطح معناداری = ۰/۰۰۰؛

کا اسکویر = ۲۷۱/۷۴، سطح معناداری = ۰/۰۰۰ و گاما = ۰/۸۹۱

نگاهی به ارقام سطر اول جدول فوق نشان می‌دهد که هر چقدر از «تأمین نیاز پایین» به طرف «تأمین نیاز بالا» حرکت می‌کنیم، از درصد کسانی که صمیمیت و همدلی ضعیف داشته‌اند، کاسته می‌شود؛ مثلاً ۶۳/۲ درصد از کسانی که دارای تأمین نیاز پایین می‌باشند، صمیمیت و همدلی‌شان ضعیف است؛ در حالی که هیچ یک از خانواده‌هایی که از تأمین نیاز بالا برخوردارند، دارای صمیمیت و همدلی در سطح ضعیف نیستند؛ بنابراین، می‌توان گفت که با بالا رفتن «سطح تأمین نیاز» در خانواده صمیمیت و همدلی در آن افزایش می‌یابد.

مقدار ضرایب کندال و گاما و کا اسکویر مشاهده شده نیز نشان می‌دهد که اختلاف بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی‌تواند تصادفی باشد، چرا که چنین احتمالی کمتر از ۱ در ۱۰۰۰۰ است؛ بنابراین، قاعدتاً باید به وجود ارتباط معنادار بین دو متغیر حکم کرد. پس می‌توان این فرضیه را که «تأمین نیاز اعضای خانواده بر میزان صمیمیت و همدلی در خانواده اثر قابل توجه مستقیمی دارد»، تأیید کرد.

۲-۸-۶. رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «انسجام خانواده»

فرضیه ششم تحقیق، بررسی رابطه «انسجام خانواده» و «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» را مد نظر دارد؛ بدین معنا که هر چه انسجام اعضای خانواده بیشتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است. در جدول زیر این رابطه نشان داده شده است.

جدول ۱۲: رابطه صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده با انسجام خانواده

جمع	بالا	متوسط	پایین	انسجام خانواده
				صمیمیت و همدلی
۴/۶	۱/۲	۱/۵	۵۲/۲	ضعیف
۵۹/۴	۱۵/۳	۷۴/۹	۴۷/۸	متوسط
۳۶	۸۳/۵	۲۳/۶	۰	زیاد
(۳۶۷)	(۸۵)	(۲۵۹)	(۲۳)	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

کندال تاو $c = ۰/۴۱$ ، سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$ ؛

کا اسکویر $= ۲۳۱/۴۱$ ، سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$ و گاما $= ۰/۸۹۴$

نگاهی به ارقام سطر اول جدول فوق نشان می‌دهد که هر چقدر از «انسجام پایین» به طرف «انسجام بالا» حرکت می‌کنیم، درصد کسانی که صمیمیت و همدلی ضعیف داشته‌اند، کاسته می‌شود؛ مثلاً $۵۲/۲$ درصد از خانواده‌هایی که از انسجام پایین برخوردارند، دارای صمیمیت و همدلی ضعیف هستند؛ در عین حال، $۱/۲$ درصد خانواده‌هایی که از صمیمیت و همدلی ضعیف برخوردارند، دارای انسجام در سطح بالا می‌باشند؛ بر این اساس، می‌توان گفت که با بالا رفتن سطح انسجام در خانواده صمیمیت و همدلی در آن افزایش می‌یابد.

مقدار ضرایب کندال و گاما و کا اسکویر مشاهده شده نیز نشان می‌دهد که اختلافات دیده شده بین مقادیر متغیر وابسته و مستقل نمی‌تواند تصادفی باشد، چرا که چنین احتمالی کمتر از ۱ در ۱۰.۰۰۰ است. بنابراین، قاعدتاً باید به وجود ارتباط معنادار بین دو متغیر حکم کرد. پس می‌توان این فرضیه را که «انسجام اعضای خانواده بر میزان صمیمیت و همدلی در خانواده اثر قابل توجه مستقیمی دارد»، تأیید کرد.

۷-۲-۸. رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «سن زن و شوهر»
فرضیه هفتم تحقیق، بررسی رابطه «سن زن و شوهر» و «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» را مد نظر دارد؛ بدین معنا که هر چه سن زن و شوهر بیشتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است. در جدول زیر این رابطه نشان داده شده است.

جدول ۱۳: رابطه سن زن و شوهر با صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده

جمع	۶۱ و بیشتر	۵۱-۶۰	۴۱-۵۰	۳۱-۴۰	۲۰-۳۰	سن زن و شوهر
						صمیمیت و همدلی
۳/۸	۴/۸	۴/۱	۵	۱/۹	۴/۵	ضعیف
۵۸/۸	۵۷/۱	۶۴/۹	۵۸/۷	۵۸/۷	۴۰/۹	متوسط
۳۷/۴	۳۸/۱	۳۱/۱	۳۶/۴	۳۹/۴	۵۴/۵	زیاد
(۳۴۲)	(۲۱)	(۷۴)	(۱۲۱)	(۱۰۴)	(۲۲)	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

کندال تاو $c = -0.73$ ، سطح معناداری $= 0.101$

کا اسکویر $= 5/82$ ، سطح معناداری $= 0.69$ و گاما $= -1/31$

با توجه به معنادار نشدن مقدار کندال و کا اسکویر می‌توان گفت که بین «سن زن و شوهر» و «صمیمیت و همدلی در خانواده» رابطه معناداری مشاهده نشد؛ بنابراین، می‌شود ادعا کرد که افزایش سن ازدواج و بالا رفتن سن زن و شوهر تأثیری بر صمیمیت و همدلی در خانواده ندارد. البته امکان دارد که با بالا رفتن سن ازدواج، سازگاری در خانواده بیشتر شود (که این امر خود نیاز به بررسی دارد).

۸-۲-۸. رابطه «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «فاصله سنی زن و شوهر» فرضیه هشتم تحقیق، بررسی رابطه فاصله سنی زن و شوهر و صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده را مد نظر دارد. بدین معنا که هر چه فاصله سنی زن و شوهر کمتر باشد، احتمال صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است. در جدول زیر این رابطه نشان داده شده است.

جدول ۱۴: رابطه صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده با فاصله سنی زن و شوهر

جمع	۱۷ و بیشتر	۱۴-۱۶	۱۱-۱۳	۷-۱۰	۴-۶	۱-۳	۰	فاصله سنی
								صمیمیت و همدلی
۳/۴	۰	۰	۱۰/۷	۲/۱	۲/۹	۷/۴	۳/۸	ضعیف
۵۹/۴	۴۲/۹	۳۰/۸	۶۴/۳	۵۷/۹	۶۰/۸	۵۹/۳	۷۳/۱	متوسط
۳۶/۴	۵۷/۱	۶۹/۲	۲۵	۴۰	۳۶/۳	۳۳/۳	۲۳/۱	زیاد
(۳۵۲)	(۷)	(۱۳)	(۲۸)	(۹۵)	(۱۰۲)	(۸۱)	(۲۶)	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

کندال تاو $c = 0/083$ ، سطح معناداری $= 0/063$ ؛
 کا اسکویر $= 17/55$ ، سطح معناداری $= 0/13$ و گاما $= 0/139$
 با توجه به معنادار نشدن مقدار کندال و کا اسکویر می توان گفت که بین «فاصله سنی زن و شوهر» و «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» رابطه معناداری مشاهده نشد.

۹. تحلیل رگرسیونی چندمتغیره عوامل مؤثر بر سلامت خانواده

در ادامه، پس از ملاحظه روابط بین متغیرهای اصلی پژوهش، اعم از مستقل و وابسته، اکنون مناسب است که یک تحلیل رگرسیون چندمتغیره از رابطه شاخص «صمیمیت و همدلی خانواده» (متغیر وابسته) با متغیرهای مستقل به عمل آوریم. تحلیل رگرسیونی چندمتغیره این امکان را به محقق می دهد که رابطه یک یک متغیرهای مستقل را با متغیر وابسته، با کنترل آماری اثر سایر متغیرهای مستقل موجود در رابطه را مطالعه کند و از برآورد اضافه میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل که ناشی از همبستگی بین آنهاست، جلوگیری کند. در تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، برخلاف تحلیل رگرسیونی ساده، همه متغیرهای مستقل اصلی را یک جا وارد تحلیل می کنیم تا ببینیم میزان و نوع اثر این متغیرها بر متغیر وابسته، با کنترل کردن سایر متغیرها چگونه است. خلاصه این نتایج در جدول شماره زیر دیده می شود:

جدول ۱۵: نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره شاخص «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» و سایر متغیرها

نام متغیر مستقل	مقدار ضریب F	مقدار ضریب بتا	سطح معناداری	R Square
استقلال	۸۸/۸۸	۰/۴۴	۰/۰۰۰	۰/۱۹۶
تأمین نیاز	۲۵۱/۴	۰/۶۳	۰/۰۰۰	۰/۴۰
انسجام	۲۰۱/۲۳	۰/۵۹	۰/۰۰۰	۰/۳۵
حاکمیت ارزش های اخلاقی	۸۰/۹۰	۰/۴۲	۰/۰۰۰	۰/۱۸
ارتباط خویشاوندی	۷۳/۰۳	۰/۴۱	۰/۰۰۰	۰/۱۶
فاصله سنی زن و شوهر	۴/۵۶	۰/۱۱۳	۰/۰۳۳	۰/۰۱۳
میانگین سن زن و شوهر	۲/۵۴	-۰/۰۸۶	۰/۱۱۲	۰/۰۰۷
میانگین تحصیلات زن و شوهر	۰/۱۰۳	۰/۰۱۴	۰/۷۴	۰/۰۰۰

بر اساس جدول فوق یکی از متغیرهای مستقلى که بر سلامت خانواده اثر مستقل زيادى

گذاشته و بیشترین مقدار از تغییرات آن را تبیین می‌کند «تأمین نیازها» است. ضریب بتای این متغیر ۰/۶۳ است. ضریب تعین، یعنی مقدار $R Sq$ محاسبه نشان می‌دهد که حدود ۴۰ درصد از واریانس «صمیمیت و همدلی» توسط این متغیر قابل تبیین است. بنابراین، بار دیگر تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، فرضیه مربوطه را تأیید می‌کند؛ یعنی هر چه تأمین نیاز بیشتر باشد، صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر است.

متغیر مستقل بعدی که وارد معادله می‌شود «انسجام خانواده» است که ضریب بتای آن ۰/۵۹ است. با اضافه شدن «انسجام خانواده» به متغیر مستقل قبلی به مقدار ضریب $R Sq$ افزوده شده و می‌توان گفت که ۳۵ درصد از واریانس «صمیمیت و همدلی» توسط این متغیر قابل تبیین است؛ بنابراین، در اینجا نیز بار دیگر فرضیه ما تأیید می‌شود.

متغیر مستقل بعدی که وارد معادله می‌شود «استقلال اعضای خانواده» است که ضریب بتای آن ۰/۴۴ است. با اضافه شدن «استقلال اعضای خانواده» به متغیرهای مستقل قبلی به مقدار ضریب $R Sq$ افزوده شده و می‌توان گفت که ۱۹ درصد از واریانس «صمیمیت و همدلی» توسط این متغیر قابل تبیین است؛ لذا این فرضیه مجدداً تأیید می‌شود.

متغیر مستقل بعدی که وارد معادله می‌شود «حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی» در خانواده است که ضریب بتای آن ۰/۴۲ است. با اضافه شدن حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی به متغیرهای مستقل قبلی به مقدار ضریب $R Sq$ افزوده شده و می‌توان گفت که ۱۸ درصد از واریانس «صمیمیت و همدلی» توسط این متغیر قابل تبیین است؛ لذا این فرضیه نیز مجدداً تأیید می‌شود.

متغیر مستقل بعدی که وارد معادله می‌شود «روابط خویشاوندی» در خانواده است که ضریب بتای آن ۰/۴۱ است. با اضافه شدن «روابط خویشاوندی» به متغیرهای مستقل قبلی به مقدار ضریب $R Sq$ افزوده شده و می‌توان گفت که ۱۶٪ از واریانس «صمیمیت و همدلی» توسط این متغیر قابل تبیین است؛ لذا این فرضیه نیز مجدداً تأیید می‌شود.

۱۰. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق، بررسی «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن بود. این تحقیق به روش پیمایش صورت گرفته است و جامعه آماری آن خانواده‌های تهرانی هستند که حداقل پنج سال از زندگی مشترک آنها گذشته است. با توجه به فرمول کوکران، جامعه آماری حدود ۴۰۰ نفر تعیین شد که از مناطق بیست و دوگانه تهران به

طور تصادفی انتخاب شدند. یافته‌های توصیفی نشان داد که ۲۱۸ نفر، یعنی نزدیک به ۶۰ درصد از پاسخگویان، از صمیمیت و همدلی در حد متوسطی در خانواده برخوردارند. ۱۳۲ نفر، یا ۳۶ درصد، از حد زیادی از صمیمیت و همدلی در خانواده برخوردارند و تنها حدود ۵ درصد، یا ۱۷ نفر، از صمیمیت و همدلی ضعیفی در بین اعضای خانواده برخوردارند.

با توجه به نتایج تحلیلی در این مقاله، رابطه معنادار و قوی بین «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «تأمین نیازهای اعضای خانواده» دیده شد. به این معنا که رفع نیازها تأثیر معناداری در صمیمیت و همدلی خانواده دارد. از این رو، می‌توان گفت که یافته‌های ما نظریه «براد شاو» و «مک گراو» مبنی بر لزوم تأمین نیازها و خواسته‌های اعضای خانواده در جهت دست‌یابی به صمیمیت را تأیید می‌کند.

همچنین، با توجه به یافته‌های تحلیلی، رابطه معنادار و قوی بین «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «انسجام اعضای خانواده» دیده شد. لذا خانواده‌ها می‌توانند با انسجام بیشتر بین اعضای خانواده خود، صمیمیت و همدلی در خانواده را تا میزان زیادی افزایش دهند.

یافته‌های تحلیلی ما همچنین نشان داد که «استقلال اعضای خانواده» تأثیری معنادار و قوی بر «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» دارد. از این رو، می‌توان گفت که یافته‌های ما نظریه مربوطه را در این زمینه تأیید می‌کند؛ یعنی صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده تا حدود زیادی در گرو استقلال اعضای خانواده است.

یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق مشاهده رابطه معنادار بین «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» با «حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - اسلامی» است. از این رو، می‌توان گفت که یافته‌های ما «نظریه مبادله» را مبنی بر تأثیر «برقراری سنت‌ها و ارزش‌های خانوادگی» بر «صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده» را تأیید می‌کند و استفاده از آن در جامعه آماری ما مفید است. بنابراین، خانواده‌های ما باید توجه داشته باشند که برقراری سنت‌ها و ارزش‌ها، از جمله ارزش‌های اخلاقی و دینی، به صمیمیت و همدلی بیشتر در بین اعضای خانواده کمک خواهد کرد.

متغیرهای دیگر یعنی «تحصیلات زن و شوهر» و «میانگین سن زن و شوهر» ارتباط معناداری را با «صمیمیت و همدلی» نشان ندادند.

منابع:

الف) کتابها

۱. اعزازی، شهلا. ۱۳۸۷. جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۲. براد شاو، جان. ۱۳۸۶. خانواده، تحلیل سیستمی خانواده. ترجمه مهدی قراچه داغی. تهران: انتشارات لیوسا.
۳. تبریزی، مصطفی، شهرزاد دیبائیان، مژده کاردانی، و فروغ جعفری. ۱۳۸۵. فرهنگ توصیفی خانواده و خانواده‌درمانی. تهران: فراروان.
۴. ثنایی، باقر. ۱۳۸۷. روان‌درمانی و مشاوره گروهی. تهران: چهره.
۵. حسن‌زاده، رمضان. ۱۳۸۵. انگیزش و هیجان. تهران: نشر ارسباران.
۶. ستیر، ویرجینیا. ۱۳۸۸. آدم‌سازی. ترجمه دکتر بهروز بیرشک. تهران: انتشارات رشد.
۷. سرایی، حسن. ۱۳۸۲. مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق. تهران: سمت.
۸. سگالن، مارتین. ۱۳۷۵. جامعه‌شناسی تاریخ خانواده. ترجمه حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز.
۹. شرفی، محمدرضا. ۱۳۸۸. خانواده متعادل. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۱۰. فروم، اریک. ۱۳۸۷. هنر عشق ورزیدن. ترجمه پوری سلطانی. تهران: انتشارات مروارید.
۱۱. مرکز آمار ایران، دفتر ریاست امور بین‌الملل و روابط خارجی. ۱۳۸۸. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵. تهران: مرکز آمار ایران، دفتر ریاست امور بین‌الملل و روابط خارجی.
۱۲. مک گراو، فیلیپ. ۱۳۸۸. خانواده موفق. ترجمه محمدمهدی شریعت باقری. تهران: انتشارات دانژه.
۱۳. منادی، مرتضی. ۱۳۸۵. جامعه‌شناسی خانواده. تهران: نشر دانژه.
14. Strong, Bryan ,Christine De Vault. 2007. The Mariage And Family Experience Intimate Ralationship In A Changing.

ب) مقالات

۱. احمدی، علی اصغر. ۱۳۸۳. کارکردهای خانواده. نشریه پیوند (۳۰۴).
۲. اعتمادی، عذرا. ۱۳۸۷. افزایش صمیمیت زناشویی. نشریه روان‌شناسی تازه‌های روان‌درمانی (۴۹) و (۵۰).
۳. اعتمادی، عذرا، شکوه نوابی‌نژاد، سیداحمد احمدی، ولی‌اله فرزاد. ۱۳۸۳. بررسی تأثیر زوج‌درمانی به شیوه ایماگوتراپی بر افزایش صمیمیت زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در اصفهان. پژوهش‌های مشاوره (۹): ۹-۲۲.
۴. بطلائی، سعیده، احمد احمدی، و فاطمه بهرامی. ۱۳۸۹. تأثیر زوج‌درمانی مبتنی بر دل‌بستگی بر رضایت و صمیمیت جنسی. مجله اصول بهداشتی روانی ۱۲ (۴۶): ۴۹۶-۵۰۵.

۵. خدایی، ابراهیم، علی معدنی پور، و علی نقدی. ۱۳۸۶. والدین، نوجوانان، ارزش‌های خانوادگی؛ ترجیح اطاعت یا استقلال. فصلنامه خانواده‌پژوهی ۳ (۱۲): ۷۹۱-۸۱۰.
۶. کلونین، آلکس. ۱۳۸۹. فروپاشی خانواده در جامعه سکولار. سیاحت غرب، ۷ (۸۴): ۲۸-۱۸.
۷. محمدزاده، علی. ۱۳۸۷. رابطه بین تحصیلات والدین، جمعیت خانواده، تأهل، سن و ترتیب تولد بر بیماران اسکیزوتایپی. پژوهش‌های نوین روان‌شناختی ۳ (۱۱): ۶۱-۷۵.
۸. نظری، علی محمد، مسعود اسدی، و علی شاهینی. ۱۳۸۸. تأثیر خانواده‌درمانی کوتاه‌مدت ستیر بر صمیمیت زوج‌ها. زن و مطالعات خانواده ۲ (۵): ۱۰۹-۱۲۹.
۹. واحدی، شهرام، جلیل فتح‌آبادی، آیت‌اله فتحی. ۱۳۹۱. بررسی رابطه بین جدایی روان‌شناختی با سبک‌های هویتی دانشجویان. فصلنامه خانواده‌پژوهی ۸ (۲۹): ۸۳-۱۰۰.